

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سفر بہ آنجلہ بوی حسین (ع) می دہد

حسین قاسمی

انتشارات معتبر

۱۳۹۱

سرشناسه	قاسمی، حسین، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	سفر به آنجا که بوی حسین می‌دهد/ حسین قاسمی
پدیدآور	تألیف حسین قاسمی
مشخصات نشر	اهواز، معتبر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۱۰۴ص: مصور
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۴۷۰-۸۱-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
موضوع	قاسمی، حسین ۱۳۳۹ - سفرها - عراق
موضوع	زیارتگاه‌های اسلامی - عراق
موضوع	سفرنامه‌های ایرانی - قرن ۱۴
موضوع	عراق - سیر و سیاحت - قرن ۲۰ میلادی
رده‌بندی کنگره	DS۷۰/۶۵ / ق ۲ س ۷ / ۱۳۹۰
رده‌بندی دیوین	۹۱۵/۶۷۰۴۲ :
شماره کاتالوگ ملی	۲۵۷۹۸۰ :

مؤسسه فرهنگی هنری آتاب



اهواز چهارراه سلمان فارسی اول خیابان شهید سراج (منوچهری)
تلفن ۲۲۱۱۳۶۸ دورنگار ۲۲۲۵۲۹۶ علوی شوشتری
پست الکترونیک: moatabar_alavi@yahoo.com

نام کتاب: سفر به آنجا که بوی حسین می‌دهد.

مؤلف: حسین قاسمی

ناشر: انتشارات معتبر (وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری آتاب)

ویراستار و ناظر چاپ: سیدعبدالمجید علوی شوشتری

چاپ: اول - ۱۳۹۱

لیتوگرافی/ چاپ/ صحافی: چاپ جنوب اهواز

طراح جلد: واحد گرافیک انتشارات معتبر

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۷۰-۸۱-۹

قیمت: ۲۸۰۰۰ ریال

فهرست

۵	تقریظ آیت الله موسوی جزائری
۷	مقدمه
۱۰	وای حسینم کجاست
۱۸	نجف اشرف
۱۹	حرم مطهر امیرالمؤمنین
۲۱	قبرستان وادی السلام
۳۲	مساجد شهر نجف
۳۳	مدارس دینی نجف
۳۳	کتابخانه‌های نجف
۴۷	اماکن زیارتی کوفه
۴۸	مقام‌ها و مکان‌های مطرح در مسجد کوفه
۵۳	خانه مولا علی(ع)
۵۹	کربلا
۶۰	مهمترین زیارتگاههای کربلا
۶۹	حسینیه‌های کربلا
۶۹	مدارس دینی کربلا
۹۰	کاظمین
۹۲	سامرا

تقریظ حضرت آیت الله سید محمد علی جزائری، نماینده محترم
ولی فقیه در خوزستان و امام جمعه معز زاهدواز

بسمه تعالی

برادر گرامی جناب آقای قاسمی دام تأییده
سلام علیکم و رحمه الله موفق به قرائت بخش وسیعی از سفرنامه
مبارک جنابعالی به عتبات عالیات و مرار ثارالله و منای کوی عشق
حسینی و علوی شدم؛ الحق زحمت کشیده و با ارادت و اخلاص و
حسن سلیقه در انتخاب مطالب زیبا و جذاب و سازنده آن را
نگاشته‌اید. در مواردی که به نظر تجدید و تفسیر عبارت لازم بوده
است با خط افقی علامت گذاشته‌ام^۱ ملاحظه فرمایید. بعضی از موارد
که راجع به بقاع‌الخیر مطالبی از قول مردم و السنه و افواه نوشته شده
لازم است اشاره فرمایید که (مردم می‌گویند) در هر صورت کار
خوب و بزرگی انجام داده‌اید که برای عموم قابل استفاده است و یاد
معنویت و فضائل را در دل عاشقان زنده می‌کند. موفق باشید.

داعیتان: سید محمد علی موسوی جزائری

فوت شایسته علی قیوم و شریک
ولایت محمد اول

بسم الله

برادر ارجمند و عزیز
آقای محمد

سلام و درود
دوستان و یاران عزیز

در این روزگار که همه چیز
در حال تغییر است

و این روزگار که همه چیز
در حال تغییر است

و این روزگار که همه چیز
در حال تغییر است

و این روزگار که همه چیز
در حال تغییر است

و این روزگار که همه چیز
در حال تغییر است

و این روزگار که همه چیز
در حال تغییر است

و این روزگار که همه چیز
در حال تغییر است

مقدمه

زیارت، یکی از سازنده ترین برنامه های تربیتی مکتب ماست. که هم تقدیر و احترام به پاکی ها و فضیلت ها و مجاهدت هاست و هم الهام گرفتن از اولیای دین و پاک ساختن روح و جان در حرم مطهر معصومین (علیهم السلام) می باشد. در حقیقت قدم در این وادی نهادن ادامه ی همان راهی است که با چراغ انبیا و اولیای الهی «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة» منور شده است.

سرزمین عراق که گاهی در جغرافیای قدیم، بین النهرین هم خوانده می شد؛ میان دو رود دجله و فرات واقع و یکی از قدیمی ترین مناطقی است که انسان آن را برای سکنی گرفتن برگزید. عراق دارای تمدن و فرهنگ دیرینه و پرباری است. از حدود ۴۵۰۰ سال پیش اقوام گوناگونی در این سرزمین زیسته اند و می توان گفت کهن ترین تمدن جهان در بین النهرین و در عراق پدید آمده است. پس از ظهور اسلام و آغاز فتوحات، تصرف این سرزمین، اولین فتح بزرگ مسلمانان بود. امام علی (ع) در دوران خلافت خود، پایتخت حکومت اسلامی را از مدینه به کوفه که در عراق است منتقل نمود.

عراق از شرق با ایران، از جنوب با شبه جزیره عربستان و از جنوب شرقی با کویت، از غرب با اردن، از شمال غرب با سوریه و از شمال با ترکیه همسایه است. این کشور به ۱۸ استان با نام‌های: اربیل، دیاله، کرکوک، انبار، ذیقار، مثنی، بابل، سلیمانیه، میسان، بصره، صلاح‌الدین، نجف، بغداد، قادسیه، نینوا، دهوک، کربلا و واسط تقسیم می‌شود.



برخی استان‌ها از لحاظ جغرافیای انسانی و طبیعی تفاوت‌های بسیار چشمگیری با هم دارند؛ به طور مثال استان المثنی که در جنوب واقع است با طبیعتی هموار، بیابانی، گرم و خشک دارای جمعیتی عرب زبان و شیعه مذهب است؛ در حالی که استان سلیمانیه در شمال، استانی کوهستانی با هوایی سرد، پرآب و سرسبز با جمعیتی کرد زبان و سنی مذهب می‌باشد.

عراق دارای منابع و معادنی غنی است که همیشه مورد طمع و

تصرف قدرتهای بزرگ استعماری بوده و مردم آن تاکنون بهره‌ای از آنها نبرده و آن منابع و معادن به کام مردمش حلاوتی نداشته است.

ارزشهای معنوی این سرزمین فراتر از همه امتیازات آن است زیرا این ملک و بوم، زیستگاه و محل عبادت و راز و نیاز تعداد کثیری از انبیاء الهی و امامان معصوم بوده است. از جمله پیامبران می‌توان به حضرات نوح، یونس و ادریس علیهم السّلام اشاره کرد و از امامان نیز علاوه بر امام علی (ع)، امام حسین (ع)، امام موسی کاظم (ع)، امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) در این کشور مدفون هستند، امام حسن مجتبی (ع) نیز مدتی کوتاه کوفه را مرکز خلافت خود قرار داد. و همچنین حضرت مهدی (عج) تا قبل از غیبتشان در شهر سامرا زندگی می‌کردند.

علاوه بر قبور ائمه اطهار (ع) مقبره‌های فراوانی از امامزادگان، صحابه پیامبر (ص)، علما و همچنین مساجد مشهوری همچون مسجد کوفه و سهله و ... در این کشور قرار دارد. حوزه علمیه نجف و سایر مراکز علمی دینی در این کشور نیز به اهمیت آن افزوده است. در روایات داریم که حضرت مهدی (عج) پس از ظهور، مسجد کوفه را مرکز خلافت خویش قرار خواهند داد و در مسجد سهله ساکن خواهند شد، همین امر خود عراق را در افق آرمانی شیعه و فراتر از آن جهان اسلام قرار می‌دهد و آن را به عنوان کعبه آمال منتظران قائم آل محمد قرار می‌دهد.

آرزوی دیرینه‌ی هر مسلمان شیعه‌ای است بر آن دیار که آن را

وادی عشق خود می داند قدم بگذارد و از آن هوا که با عطر تنفس اولیای الهی عطر آگین شده، استشمام نماید. نام آشنایی که از کودکی در دل و جان هر انسان آزاده و عدالت خواه و بخصوص ما شیعیان حک شده است علی، حسن، حسین و دشت کربلا است.

فاصله شهرها از همدیگر

۱۱۶	۲۴۹	۲۸۷	۱۸۰	۸۰	۰
۳۸	۱۸۴	۲۲۰	۱۱۵	۰	۸۰
۸۳	۸۰	۱۲۰	۰	۱۱۵	۱۸۰
۱۹۱	۵۳	۰	۱۲۰	۲۲۰	۲۸۷
۱۵۵	۰	۵۳	۸۰	۱۸۴	۲۴۹
۰	۱۵۵	۱۹۱	۸۳	۳۸	۱۱۶

در فرهنگ ما حسین (ع) نام مقدسی است که همواره عشق به او و رشادت هایش روشنی بخش راه زندگی مان بوده است همان معمائی است که محرم هر سال آتش آن در دل همه ی آزادگان شعله ور می شود. ... وای حسینم کجاست!

از چند سال پیش تبلور این عشق وجودم را فرا گرفت تا اینکه در اردیبهشت سال ۱۳۹۰ این اتفاق صورت گرفت و مرا به سوی خود کشاند. و چنان با عشق صدایم کرد که روزهای آخر سر از پا نمی شناختم؛ زیرا عشق و آرزوی هر شیعه ای رفتن به کربلا و عتبات عالیات است و من نیز سفرم را با نیت زیارت و پیوند با امامان خود

آغاز نمودم.

ساعت ۴:۴۵ دقیقه ی صبح روز دوازدهم اردیبهشت ماه وارد مصلا ی اهواز شدیم، کاروان ما به نام (کاروان گشت) نام گذاری شده بود. نماز را در مصلا ی اهواز به جماعت خواندیم و بلافاصله سوار اتوبوس شده و حرکت کردیم. به اتفاق همسر فداکار، خواهر عزیز و دلسوخته ام که به تازگی فرزندش را از دست داده بود، و همسرش آقای موسوی، به کاروان ملحق شدیم. کاروانی ۴۰ نفره با گروه های سنی متفاوت، مدیر روحانی کاروان آقایان جمهیری و حجت الاسلام آقای بو عذار، و در کاروان تعدادی از فامیل و آشنایان هم بودند که در نهایت گویی همه اعضای یک خانواده بوده ایم.

با حرکت اتوبوس، روحانی کاروان شروع به خواندن دعای سفر نمود. اتیکت هایی جهت شناسایی بین اعضای کاروان تقسیم گردید، سپس مدیر کاروان توضیحاتی در خصوص سفر ارائه نمود. در طول مسیر از شهرهای حمیدیه، سوسنگرد، بستان و در نهایت مرز چذابه که خاتمه ی میهن عزیزمان ایران بود عبور کردیم، هرچه جلوتر می رفتیم آثار هشت سال دفاع مقدس بیشتر آشکار می شد. در اتوبوس آقای بیننده از اعضای کاروان از جای خود برخاست و در خصوص آداب سفر و اهمیت این سفر معنوی چند دقیقه ای صحبت کرد که مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

محل شهادت شهید دکتر مصطفی چمران، آن اسطوره ی جنگ های چریکی و نامنظم، آن عارف قابل تحسین، توجهم را به

خود جلب نمود. آنچه در خصوص این بزرگ مرد مطالعه داشتیم لحظاتی خاطریم را به خود مشغول کرد، به دهلاویه ای که نامش برای اغلب ما ایرانیان آشناست رسیدیم. در کنار یادمان شهید چمران، روستایی دیده می شد که خالی از سکنه بود. البته قبل از رسیدن به شهرستان، روستاهای زیادی در مسیر دیده می شد که اهالی آنها ترک دیار نموده بودند، ساختمان هایی هم توسط دولت ساخته شده بود که با توجه به بافت عشایری و نوع زندگی مردم این منطقه، این ساختمان ها بلا استفاده مانده بود. زیرا زندگی روستایی و عشایری در منازل که بافت روستایی دارند امکان پذیر است نه در خانه های امروزی که هیچ سنخیتی با زندگی عشایری و روستایی ندارد.

وجود لاشه تانک های عراقی بازمانده از جنگ، در ورودی و مرکز شهر بستان هر رهگذری را به تأمل وادامی داشت. دانشگاه، بیمارستان و سایر اداراتی که به نام طریق القدس مزین شده بودند، نشان از اهمیت این نام برای اهالی منطقه را داشت که روزی این شهر با برکت این نام، از دست دشمن بعثی آزاد شد.

بعد از بستان، هور، مکان و محل شهدای جذابه، ما را مجذوب واقعیت های دفاع مقدس می کرد. در بین راه چندین پاسگاه مرزی و سربازانی درون آنها دیده می شد که در دکل های نگهبانی نشسته و از فراز آن با چشمان تیز بین خود، کوچک ترین حرکات را زیر نظر داشتند. و نیز کادر ثابت نظامی که روزها را با سخت ترین شرایط سپری می نمودند، در دکل ها همه با جان و دل مشغول حراست از

مرزهای کشور ایران اسلامی بودند، با خود گفتم: خیلی از افرادی که با آسایش در این مملکت ایام خود را به لطف و از خود گذشتگی این دلیر مردان سپری می نمایند، آیا حاضرند لحظاتی از عمر خود را در اینجا، در تاسستان های بالای پنجاه درجه سانتی گراد و اتاقک های آهنی زیر تابش مستقیم آفتاب، که گاه حرارت آن از هفتاد درجه هم فراتر می رود، بپس ببرند؟ آیا این عزیزان خانه، کاشانه، فرزند خردسال و ... ندارند؟ و سپس ناروم شد، و با تمام وجودم پذیرفتم که آسایش و آرامش همه ی ما، مرهون تلاش این عزیزان است.

دکل حفاری موجود در نقطه مرزی و تابلوهای فراوانی که در کنار جاده نصب شده و خطر میدان های مین را هشدار می داد قابل توجه بود.

به مرز رسیدیم، از مرز با اتومبیل های «ون» به ورودی ایستگاه، سپس به سالن انتظار عراق رفتیم و ساعتی در انتظار مجوز ورود ...

بدون تعصب باید گفت درست است که سالن انتظار عراق مرتب تر و منظم تر از سالن انتظار خودمان بود؛ اما فرهنگ حاکم بر جامعه ی ایرانی که نمونه ای از آن را در نیروهای نظامی خود مشاهده کردیم، با آن چه که بر کارمندان و نیروهای نظامی عراق حاکم بود کاملاً متفاوت بود. به عنوان نمونه عدم توجه به حقوق دیگران و استعمال دخانیات در محل کار، و به حق که ممنوعیت آن در مکان های عمومی و دولتی و احترام به حقوق افراد ایده بسیار خوبی است که در کشور ما چند سالی است اجرایی شده است.

پس از بازبین پاسپورت ها و کنترلی که از طریق عدسی چشم انجام می شد، از سالن خارج و در یک اتوبوس عراقی سوار شدیم. لختی توقف در اتوبوس و ظاهراً گرمای هوا، اعتراض تعدادی از همسفران را به دنبال داشت، اما اگر به ته دل تک تک معترضین رجوع می کردی متوجه می شدی که گرما عامل بی حوصلگی نبود؛ بلکه عشق زیارت مرقد ائمه به خصوص آقا امام حسین (ع) عامل اصلی بی تابي آنها بوده است.

پس از بازرسی مجدد در اتوبوس و تطبیق تصاویر گذرنامه ها با اشخاص در نهایت ساعت ۱۰:۳۰ به وقت ایران از مرز عبور کردیم، سپس وارد خاک عراق شدیم و به سمت شهرهای زیارتی حرکت کردیم. ساعت عراق با ساعت ما، حدود ۱:۳۰ ساعت تفاوت وقت داشت، با توجه به تغییر ساعت فصلی در ایران، در نیمه دوم سال تفاوت فقط به نیم ساعت می رسد.

از مرز که عبور کردیم، اتومبیل های پارک شده فراوان سمند و پراید در مکانی تسطیح شده کنار جاده و نیز کامیون ها و کشنده هایی که در مسیر جاده ایستاده یا تردد می کردند و مخصوص حمل همین اتومبیل ها بودند، جلب توجه می نمود. یک توقف بیست دقیقه ای توسط اسکورت های نظامی عراقی، جهت هماهنگ نمودن اتوبوس ها انجام گرفت. سه اتوبوس همراه هم بودیم، یکی از ماشین های اسکورت کننده جلو و دیگری پشت سر آخرین اتوبوس حرکت می کرد، در مسیر جاده لوله های سیمانی دیدبانی و کنترل های شدید،

نشان از حالت آماده باش و موقعیت اضطراری را داشت.

سرزمین عراق شباهت زیادی به خوزستان دارد زمین های لم یزرع و شوره زار و برآمدگی هایی که حکم خاکریزهای خودمان را داشت به چشم می خورد.

مقصد اولیه ما شهری است که نامش تداعی کننده ی مظلومیت در کمال اقتدار و عدالت بزرگ مرد تاریخ انسانیت، مولایمان علی (ع) می باشد، مرقد آن امام همام همچون نگینی بر تارک آن می درخشد. بله! شهر نجف شهرنش مروه و وجود پیکر مطهر آن اسوه ی شجاعت و عدالت است.

روحانی کاروان می گفت. نجف یکی از شهرهای شیعه نشین عراق است، آب و هوایی گرم و خشک دارد، پیشینه این شهر به زمانی بر می گردد که فرزندان امیرالمؤمنین (ع) به همراه چند تن از اصحاب خاص، پیکر مطهر ایشان را بنا به وصیت آن حضرت، مخفیانه تشیع کرده و در این مکان مقدس به خاک سپردند. در دوران خلافت سفاح (اولین خلیفه بنی عباس از سال ۱۳۲ تا ۱۳۶ هجری)، امام صادق (ع) به هنگام اقامت در نزدیکی کوفه به زیارت امیرالمؤمنین (ع) می آمده و این مکان مقدس را به بعضی از شیعیان معرفی نموده است.

بعد از سال ۱۷۰ هجری، هارون الرشید در هنگام شکار کراماتی از این مکان مشاهده کرد. (می گویند او مشاهده کرد وقتی که آهوها به تپه ای پناه می برند، سگهای شکاری دست از تعقیب آنها بر می دارند، علت را از ساکنین محلی جویا شد، اهالی می گفتند که: اینجا قبر

امیرالمؤمنین علی (ع) است.) وی دستور داد بقعه ای بر روی قبر آن حضرت بسازند و به تدریج بر توجه مردم به این مکان مقدس افزوده شد و به برکت قبر مطهر امیرالمؤمنین (ع) شهر نجف به وجود آمد. رونق گرفت و سپس با حضور بزرگان دینی چون مقدس اردبیلی، و شیخ انصاری، تبدیل به بزرگترین مرکز علمی عالم تشیع گردید.

روحانی کاروان به نقل از امام صادق (ع) می گفت: سفر در سرزمین نجف و زیارت مرقد مطهر مولا علی (ع) باعث بخشش همه گناهان شده و ملائک به استقبال زائر رفته و برایش اجر و ثواب صد هزار شهید و بخشش گناهان گذشته و آینده را در پرونده ای اعمالش ثبت می نمایند.^۱ و همچنین پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: تنها صدیقان (راستگویان) امت من، علی (ع) را زیارت می کنند.^۲

مسیر به سرعت طی می شد. مشاهده ی خانه های گلی، کشاورزی و دامداری سنتی، درو کردن علوفه با داس دستی و حمل آنها روی سر زنان روستایی و ... نشان از فقر و تنگدستی حاکم بر این سرزمین داشت. پایگاه های ایست و بازرسی فراوانی در طول مسیر به چشم می خورد که برای ما تازگی داشت. ابتدا وارد شهر عماره شدیم؛ اما چه شهری؟! شیه همان حلبی آبادهایی که در دستان تصور می کنیم. هرچه خیره شدم، نه آسفالتی به چشم دیدم و نه اثری از آبادی و آبادانی. آنجا بود که به عظمت کارهای عمرانی صورت

۱ - بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۷، روایت ۱

۲ - کامل الزیارات، ص ۶۸، روایت ۴

گرفته در شهرهای خودمان پی بردم.

برای ادای فریضه‌ی نماز ظهر توقف کردیم. وقتی در هنگام توقف دیدم افراد دوان دوان به سمت آبریزگاه‌های نه چندان بهداشتی می‌شتابند، برایم تعجب آور بود و تازگی داشت. به علاوه سرویس‌های بهداشتی، آن قدر آلوده و متعفن بودند که انسان ترجیح می‌داد در مقابل نیاز طبیعی خود مقاومت کند و عطای آن سرویس‌ها را به لقایشان ببخشد. آقای راشدی را با خودم نزد محافظین بردم و از او خواستم پرسد اینجا کجاست؟ گفتند: «طریقه الجنه»، همان جاده بهشت و یا به گونه‌ای دیگر، معروف است به جاده آقا امام حسین (ع). او می‌گفت: این جاده مقدس است، از قدیم این جاده را تا کربلا پیاده می‌رفتند و الان هم در ماه محرم این اتفاق صورت می‌گیرد. حسینه‌هایی که به نام موکب الحسین نامگذاری شده بود، در حاشیه جاده به وفور دیده می‌شد؛ این حسینه‌ها اگرچه بعضاً امکانات بهداشتی مناسبی نداشتند، اما تعدّد آنها برایم شگفت آور بود. گفته می‌شود زائرین، به خصوص آنهایی که در ماه محرم مسیر را پیاده می‌پیمایند، از موکب و حسینه‌های بین راهی به عنوان استراحتگاه استفاده می‌کنند، سطح زندگی در اینجا آنقدر پایین است که مردم این ناهنجاری‌ها را متوجه نمی‌شوند. نماز در یکی از موکب‌های بین راهی و ناهار در اتوبوس صرف شد.

گروه اسکورت یا محافظین، مأموریت داشتند که زوار را تا نجف و محل اقامتشان در هتل همراهی کنند، لحظه به لحظه به نجف نزدیکتر می‌شدیم. در ابتدای ورود به شهر نجف، دعای ورود توسط

روحانی کاروان قرائت شد. اتوبوس در کنار هتل موردنظر توقف و زوار جهت اسکان پیاده و در هتل مستقر گردیدند.

نجف اشرف

این شهر که در ۱۶۰ کیلومتری جنوب غربی بغداد و در کناره دشت بی آب و علف صحرای شام (بادیه الشام) واقع است؛ دارای آب و هوای بسیار گرم و زمینی خشک و کم آب می باشد. در منابع شیعه، روایات فراوانی درباره فضیلت و قداست سرزمین نجف آمده است، به همین جهت هر مؤمنی آرزوی زیارت این سرزمین و زندگی و دفن شدن در آن را دارد؛ زیرا بنا بر روایات، هر کس در این سرزمین مدفون شود، از عذاب قبر در امان است. امروزه این شهر مرکز یکی از استان های عراق و از شهر های مهم این کشور به شمار می رود. این شهر حدود ۵۷۰ هزار نفر جمعیت دارد، در هشتاد کیلومتری جنوب شرقی کربلا و ده کیلومتری جنوب کوفه واقع است، ارتفاع از سطح دریا هفتاد متر و نام دیگر آن «الغری» است، معمولاً کسانی که در نجف اشرف متولد می شوند به آنان غروی گویند، به جهت اینکه نسبت به زمین های مجاور بلندتر است آنرا نجف نامیده اند.

جایگاه های زیارتی این شهر عبارتند از: